

در روش آموزش و تربیت اسلامی آزاد اندیشی و حریت و تبادل نظر، کاملاً مراعات شده است و تعصب خشک بیجا مردود شمرده شده است. آزاد اندیشی را نباید با هرج و مرج طلبی و بی بندوباری در گفتار و رفتار و عقیده اشتباه گرفت. فحش دادن و لجن مال کردن افراد و افکار دیگران و مسخ حقایق با آزاد اندیشی که عده ای آنرا دست آویز قرار داده اند و اسلام را با آن می گویند فرق بسیار دارد. همچنانکه با آزاد اندیشی فرنگی مآبانه و به سبک غربی و غرب زده ها، فرق می کند.

۲- اجبار و اکراهی در دین نیست. راه هدایت از کمراهی (حق از باطل) آشکار و روشن شده است  
۳- "بشارت بده به بندگانی که گفتار رامیشوند و از بهترین آنها پیروی می کنند."  
۴- مردم را به سوی راه پروردگار خویش، با حکمت و موعظه نیکو بخوان و دعوت کن و با منطق و برهان نیکوتر با آنان گفتگو و بحث نما علی (ع) فرمود: حکمت و دانش را فرا گیرید هر چند از مشرکان باشد. ۵  
به سخنگو نظر نداشته باشید به آنچه میگوید نظر کنید. ۶  
حکمت (و گفتار حکیمانه) را از هر کجا بگیری هر چند گوینده آن کمراه و اهل ضلالت باشد!

# تعلیم و تربیت اسلامی

حکمت کمشده مومن است آن را بجوئید و بگیری  
هر چند نزد مشرک باشد. ۸  
البته گرفتن علم و حکمت از دیگران با تقلید کورکورانه از آداب و رفتار غلط آنان و باصطلاح پیرو فرهنگ مصرفی و استعماری شدن و فرنگی - مآب و غرب زده یا شرق زده شدن چنانکه

انتخاب اصلح و تشویق به پذیرش قول درست و گفتار و نظریات شایسته در چند مورد قرآن کریم ذکر شده و از پذیرش کورکورانه و بدون تحقیق شدیداً نهی شده است.  
۱- لا تقف مالیس لک به علم. به چیزی که علم نداری نپذیر و به آن ترسب اثر نده.

تحويل داد.

انگیزه خدائی و اخلاص در تعلیم و تربیت

هدف از تعلیم و تربیت و انگیزه تحصیل ، باید تقرب به حق و خدمت به خلق باشد نه مقام و ثروت و شهرت ، گرچه مادیات و زندگی دانش پژوهان و اساتید و دانشمندان نیز باید نامین شود .

در گذشته کار مدارس و دانشگاهها بالابردن سطح محفوظات و در مواردی نیز سطح معلومات دانشجو ، و در واقع کارخانه مدرک - سازی بود . و آنچه مهم نبود ، بالابردن سطح



اخلاق ، روحیه استقلال طلبی ، ایمان ، اعتقاد به خدا ، تعهد و مسئولیت در برابر خدا و خلق خدا و جامعه خود و خانواده‌اش و حتی‌کشورش بوده است .

با اینکه انسان باید در برابر همه اینها

دیدیم و می بینیم ، فرق بسیار دارد ، و نباید با آنان اشتباه گرفته شود . . . و هدف روایات اسلامی یاد شده نیز همین است .

اثرات این آزاد اندیشی و ثمرات میدان دادن به افکار افراد ، در رشد شخصیت علمی و فرهنگی افراد و جامعه و شکوفائی استعدادها ، بسیار موثر است . بر عکس تصب بی جا و خفقان ، اختناق ، نابودکننده استعدادهاست و معمولاً " انسانها را قالبی بار می‌آورد آنهم نامطلوب و ناپسند !

برای نمونه در یونان باستان در آن عصر تاریک دهها فیلسوف و دانشمند بزرگ ورجالی چون ارسطو ، افلاطون ، سقراط و بقراط و . . . پدید آمدند ولی بعدها حتی در عصر علم و امروزه هم چنان نیست و چنان نوابغی تحويل نمی‌دهد .

برخی از جامعه شناسان معتقدند که چون در آن زمان آزادی بوده ، آزادی مشروع و در پناه قانون که حتی وسیله فرار فیلسوفی بزرگ چون " افلاطون " از زندان فراهم می‌شود و او " نمی‌پذیرد و می‌گوید " ۷۰ سال در پناه این قانون زندگی کردم و حال امروز هم قانون همان جامعه ( هر چند به خطا و ناحق ) مرا به زندان محکوم کرده است ، قانون را نمی‌شکنم . . . و

احترامش را حفظ می‌کنم . ۹

و یا در ایران پیش از اسلام و زمان اختناق ساسانیان و نظام و فرهنگ طبقاتی و تبعیض آنان ، تعداد دانشمندان در ایران ، کم بود ولی پس از نفوذ اسلام ، در سایه تشویق اسلام دهها و صدها دانشمند معروف و مشهور در رشته‌های مختلف ، هنر ، فلسفه ، ادب ، علوم طبیعی ، طب ، ریاضیات و نجوم و نیز در رشته‌های حقوق و فقه و . . . به عالم بشریت



مسئول و متعهد باشد. و این تعهدها در اسلام بنحو گسترده تری بیان شده است که به طور اجمال و اختصار اشاره می‌شود.

### مسئولیت‌های انسان

۱- مسئولیت انسان در برابر خدا و خالق که عبارت است از شناخت هر چه بیشتر خداوند و توجه به عظمت خلقت و آگاهی از هدف آفرینش که سبب مفهوم و معنا بخشیدن به زندگی است و نیز عبادت و نیایش در برابر خدا، برای تقویت روح و تکامل خود و بالا بردن حس سپاسگزاری و قدردانی و تشکر از ولی نعمت است. زیرا زندگی، بدون اعتقاد به خدا و قیامت و مبداء و معاد و هدف و ... پوچ و عبث است و خداوند حکیم و دانا کار عبث و لغو و بیهوده انجام نمی‌دهد. قرآن کریم در ضمن چندین آیه این حقیقت را بازگو می‌کند.

" آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگشت نمی‌کنید "

۱۰

اعتقاد به قیامت و حساب و پاداش و کیفر دقیق در آن روز، نیز در همین رابطه است و علاوه بر توحید و معاد و مفهوم دادن به زندگی در ساختن انسان و ایجاد روح نفوا و پاکدامنی و جلوگیری از فساد و انحراف و آلودگی بسیار موثر است.

۲- مسئولیت در برابر خود و اینکه انسان نباید، به خویش ظلم کند و عمرش را به هدر

دهد و آن را در مسیر هوسبازی و ارضاء تمایلات حیوانی و خواهشهای نفسانی و وساوس شیطانی بکار برده و باید بداند که عمر، سرمایه ارزنده است که در ضمن بهره گیری صحیح و مشروع از غرائز و قوای جسمی، برای کسب حیات سعادت بخش اخروی و کسب حکمت و دانش و شناخت حقایق و تعلیم و تربیت صحیح و تقویت و تکامل روح، باید از این سرمایه بهره گیرد تا مصداق " مِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ " و یا " وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ... " نباشد.

در روز قیامت از ۴ چیز سؤال میکنند که اول از عمر، دوم از نیروی جوانی است ... انسان باید بداند که در پیشگاه خداوند مقامی ارزنده دارد و باید تلاش کند تا مدال افتخار کرامت الهی و لقاء و قرب معنوی خداوند را به دست آورد.

۳- مسئولیت در برابر جامعه - انسان با مشاهده روح ایثار، فداکاری، عدالتخواهی و نوعدوستی، احساس می‌کند که در برابر دیگران نمی‌تواند بی تفاوت باشد.

اگر بینی که تابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیني گناه است  
پیامبر (ص) مومنان و مردم، را مانند اعضاء یک جسد دانسته است که در مقام گرفتاری از ناملایمات باید با هم همکاری کنند ۱۲

وسعدی شاعر نامی باللهام از مضامین عالی همین روایات، شعر معروفش را سروده است  
بنی آدم اعضاء یکدیگرند

که در آفرینش زیک گوهرند  
جو عضوی بدرد آورد روزگار

دگرعضوها را نماند قرار

۱۰- سوره فاطر آیه ۳۲

۱۱- سوره والعصر آیه ۱

۱۲- المومن اخوالمومن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئا منه وجدالم ذلك في سائر الاغصا اصول كافي ج ۲ ص ۱۶۶

۱۳- تعبیراتی نظیر انما المومنون كاسنان المشط... مومنان بسان دندانهای شانه هستند یا عبارت... المومنون فی توادهمم وتراحمهم كالجسد الواحد اشتكى منهم عضو، تداعی له سائر الاغصاء بالحمى والسهر نیز از پیامبر (ص) نقل شده است .

۱۳- ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا... سوره اسراء آیه ۳۶

۱۴- كلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتہ

۱۵- انتم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم صحیح بخاری ج ۷ کتاب النکاح

جالب اینجاست که در کتب فقهی ما برای حیوان سواری شش حق به عهده انسان گذارده شده است .

۱- بیش از طاقت براو بار نکنند .

۲- (برای کارهای ضروری و لازم براو سوار شود) و صرفا برای صحبت با دیگران بر پشت آن ننشینند .

۳- هر جا پیاده شد نخست آیرا براو عرضه کند (نانشده نماند)

۴- صورت او را داغ نکند

۵- بهنگام عبور از آب حتما آب را براو عرضه نماید (و سریع عبور نکند)

۶- او را نزند ...



۴- مسئولیت در برابر خانواده همسر و زیر دستان به حدی است که نمی تواند در برابر سرنوشت و آینده آنان بی تفاوت باشد، خداوند در قرآن می فرماید: قوا انفسکم و اهلیکم نارا... و قفوهم انهم مسئولون...

آنان را باز دارید آنان باید سؤال شوند... (سوره صافات آیه ۲۴) بعلاوه گوش، چشم و دل و فکر و... مسئولیت دارند و از آنها بازخواست و سؤال می شود (۱۳)

پیامبر اسلام (ص) همه را به منزله شبانی که حافظ و نگهبان گله است دانسته و فرموده است: (۱۴)

همه شما در برابر زمین و حیوانات نیز مسئولید تا چه رسد به انسانها... ۱۵

۱- سوره اسراء ۳۶

۲- سوره بقره ۲۵۶

۳- سوره زمر آیه ۱۸ *فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ*

۴- سوره نحل ۱۲۵

۵- *خُذِ الْعِلْمَ وَأُولُوهُ مِنَ الْمُشْرِكِ...*

۶- *لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ مَنْ قَالَ وَأَنْظُرُوا إِلَىٰ مَا قَالِ .*

۷- *نَهَجُ الْبِلَاعَةِ قِصَارُ ۷۶ خُذِ الْحِكْمَةَ إِنِّي كَانَتْ (خُذِ الْحِكْمَةَ وَأُولُوهُ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ)*

۸- *أَلْحِكْمَةَ ضَالَهُ الْمُؤْمِنُ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَأُولُوهُ مِنْ أَهْلِ التَّفَاقُ . نَهَجُ الْبِلَاعَةِ قِصَارُ ۷۲ فَخُذْهَا وَأُولُوهُ مِنْ عِنْدِ الْمُشْرِكِ .*

مدارک ۵ و ۷ و ۸ و ۱ ص ۴۶ و ۴۷ اثبات الهداه .

۹- این طرز دفاع از حق خود نکردن به طریق